

در نشست دوم گروه درس پژوهی مجتمع جوادالائمه(ع) با دکتر محمدرضا سرکار آرائی، «چیستی» درس پژوهی به زبان سهل آن گونه که در کلاس درس معنی می شود و کاربرد می یابد، از سوی ایشان تشریح شد. در این نوشتار بخش هایی از صحبت های ایشان گردآوری شده و مقدمه ای بر تلاش معلمان درس پژوه ما در این شماره قرار گرفته است.

## درس پژوهی: فرایند بازبینی الگوهای ذهنی و بازاندیشی عمل



### مقدمه

امروز تلاش می کنیم به یک اشتراک در لفظ و معنا برسیم درباره درس پژوهی و کارکردهایش، تا پیام های حداقلی برای بهسازی آموزش در مدرسه داشته باشد و فایده ای برای رشد حرفه ای معلمان، انشاءالله. چه می توان کرد در این یک ساعت؟ اینکه موعظه کنیم یکدیگر را و دلهایمان را زنده کنیم. چرا آدمی به موعظه احتیاج دارد؟ چون زیر فشار سوشیال میکاپها<sup>۱</sup> بزکهای اجتماعی- است؛ یعنی بعضا آنچه که نیستیم را می نماییم یا به ما می نمایانند! و فریب می خوریم. راه را گم می کنیم و سرگردان می شویم یا دیگران را دچار آشفتگی می کنیم.

«همه اندرز من به تو این است،

که تو طفلی و خانه رنگین است»  
بعضا می بینم یا شعار می دهیم که در مدرسه، ما هوش بچه ها را افزایش می دهیم، راه استدلال به بچه ها یاد می دهیم، هم تربیتشان می کنیم و هم پیشرفت تحصیلی اشان را بالا می بریم و...  
سال گذشته شما چندتا کتاب خوانده اید، اگر پاسخی نداشته باشید چه طور می توانید به بچه هاتان بگویید درس بخوان! و در رشد آن ها موثر باشید! معلمی که در عمر تحصیلی و کاری اش سالی می گذرد و فیلمی نمی بیند، کتابی نمی خواند، در بحث و فحوصی حضور ندارد، دوره ای برای بازآموزی دانسته ها نمی بیند،

بکشند و با هم گفت‌وگو کنند»، «تحقیرشان نکن»، «به بچه‌ها نگاه کن، ببینشان»، «چرا مثل بازرسی‌ها همه‌اش دنبال مچ‌گیری هستی، گاهی کتمان کن دیده را نادیده بگیر» و...

پژوهش معلم چیزی است که در متن کلاس درس اتفاق می‌افتد، برای بهسازی کارش، بهسازی نحوه بیانش، بهسازی طرح مسئله‌اش، بهسازی اینکه اگر a چیزی گفت و b چیز دیگری، سخنان آن‌ها را بهم مربوط کند، روی تابلو منظم بنویسد و نتایج متفاوتی بگیرد. درباره نتایج با بچه‌ها گفت‌وگو کند. بهسازی اینکه بفهمد کلاس درس یک رشته‌ای است که مهره‌ها (فعالیت‌ها) را در ۵۰ دقیقه بهم وصل کند و نخ این ریسمان فضای روانی و گفت‌وگو و توجه سازنده بچه‌ها است. مدرسه جایی است که صدای بچه‌ها شنیده می‌شود.

البته اگر می‌گویند صدای بچه‌ها مهم است، معنی‌اش این نیست که کلاس درس قهوه‌خانه است! «تو چی میل داری؟ چای.» «شما چی؟ قهوه.» «شما چی؟ آبمیوه.» همه هم دستشان را بالا می‌کنند و همه هم رویشان می‌شود که چیزی متفاوت سفارش دهند. کلاس درس که قهوه‌خانه نیست! ولی شما مانند قهوه‌خانه شروع می‌کنی ولی در ادامه هنر صحنه‌پردازی شما به آن جان می‌دهد. برای نمونه در همین مثال همه که نظرشان را گفتند، مثلاً می‌پرسید: «بچه‌ها چرا وقتی سرکار آرانی می‌آید قهوه‌خانه، همه وقت قهوه سفارش می‌دهد؟» اولی می‌گوید: «به نظر من چون ایشان چای اینجا را دوست ندارند.»

بعدی می‌گوید: «فکر کنم سرکار آرانی فشار خونش پایین است. قهوه تاثیر خوبی داره. توی یک کتاب علمی خوندم.»

دیگری می‌گوید: «برای اینکه بیشتر هوشیار بشه. چون چای آدم را آرام می‌کنه، ولی قهوه آدم را هوشیار می‌کنه. توی یک داستانی بود قبلاً خوندم.» یکی می‌گوید: «شاید چون قهوه اینجا از چای ارزان‌تره و...»

### مشاهده بچه‌ها

دیدن بچه یک دفعه نمی‌شود، بچه‌ها نیاز دارند که دم‌به‌دم دیده شوند. از سکو بیا بید پایین و بچه‌ها را دم‌به‌دم ببینید پای تخته. «دانش‌آموزان می‌گویند تو خودت بالا نرو، هنر داری ما را بفرست آن بالا.» اسمشان را به تخته بنویسید. یاد بگیرید حرف‌ها و واکنش‌های آن‌ها را یادداشت کنید. بچه‌ها ببینند به نظراتشان اهمیت می‌دهید. آن‌ها وقتی اظهار نظر می‌کنند، برایشان مهم است و می‌بینند اظهار نظرشان تا پایان کلاس در جریان است، در چه

حوصله بهبودی در عمل را ندارد و... با چه اعتباری از دانش‌آموز یا حتی فرزندش انتظار دارد تحرکی کند و یادگیری را محترم بشمارد یا حتی انگیزه برای تغییر داشته باشد؟! مگر اینکه میکاپ کند و چیزی که نیست، بنماید. چه‌طور می‌توان به بچه‌ها گفت درس بخوان، وقتی این بچه در کل تعطیلات نوروز و تابستان اصلاً کتابی دست شما معلم ندیده است؟! چرا او باید تحت فشار ما درس بخواند تا ما یا دیگران امتیازش را ببرند. مجتمع بگویند ما چندین و چندتا قبولی دانشگاه داریم و...

پس «احی قلبک بالموعظه» خط قرمز برای خودتان داشته باشید، کاری که نمی‌توانید را تعهد نکنید، حرفی که نمی‌توانید را نزنید. از دیگران هم نپذیرید. قولی و عملی نیکوتر در مدرسه و کلاس درس جست‌وجو کنیم.

### درس پژوهی

درس پژوهی مکانیزمی است که این موعظه را در دل‌های ما درباره کلاس درس گرم می‌کند؛ درس را ورز می‌دهد و ذهن را به چالش می‌کشد. بعضی از شما با این فرآیند آشنایی دارید و بعضی هم آماده‌اید که نگاهی بکنید و ببینید آیا می‌شود؟ نمی‌شود؟ معنا دارد، ندارد؟ و...

اصل این فرآیند پژوهش مشارکتی معلمان در کلاس درس است. اگر شما در این باره به توافق برسید، پیام اصلی من دریافت شده است.

درس پژوهی یک پژوهش هست؛ پژوهش یعنی چی؟ یعنی پرده برداشتن. وقتی شما پرده برمی‌دارید، معلوم می‌شود که اینجا چه خبر است. این یعنی پژوهش؛ یعنی آنچه را پوشانده‌اید، واقعیتش را نشان می‌دهد. قول و عمل را می‌سنجد. میکاپ‌ها را می‌شوید.

می‌گویند دانش‌آموز پژوهشگر، پژوهش سرای دانش‌آموزی، پژوهش سرای دانشجویی، پژوهش مهندسان، پژوهش معلمان یعنی چه؟ اگر معلم انجام بدهد، می‌شود پژوهش معلمان. خط تولید معلمان، کلاس درس است، چه تولید می‌کنند؟ چگونه می‌توانند آن را بازسازی کنند؟ کیفیت فرایند تولید آن‌ها چگونه بازسازی می‌شود؟

یک نفر مثل دوست یا همکار را بیاوریم سر کلاس درس، چند دقیقه‌ای بنشیند آخر کلاس و ببیند چگونه تدریس می‌کنیم. بعد از کلاس بنشینیم چای یا آش یا فالوده بخوریم و باهم درباره تدریس گفت‌وگو کنیم. همین.

آن وقت دوست یا همکارم شروع می‌کند، می‌گوید شما «همه وقت ایستاده‌ای کمی راه برو یا بنشین»، «چقدر داد می‌زنی کمی فرصت بده به بچه‌ها نفس

ایده تازه‌ای را تمرین کنید، مثلاً اسم بچه‌ها را روی تابو بزنید. با این روش بچه‌ها وقتی کلاس تمام شد، می‌دانند جایشان در فرآیند تدریس کجاست. دانش‌آموزان از اینکه روی تابو هستند حس خوبی پیدا می‌کنند.

به تدریج ایده خود را اصلاح کنید، دوباره یک‌ماه بعد عمل کنید، وقتی به نتیجه رسیدید در کلاس دیگری هم آن را آزمایش کنید، یک قدم جلو می‌آید، در تجربه‌ها سهیم می‌شوید؛ فرصتی برای یادگیری از یکدیگر فراهم می‌شود. جای بزک‌های اجتماعی را تنگ کنید. به تدریج همه باهم در مدرسه به این نتیجه می‌رسید که نیازی نیست به بزک کردن. می‌فهمیم مشکل ما را دیگران هم دارند. به جای پوشاندن مساله تلاش می‌کنیم از آن پرهیز کنیم و سرمایه‌ها را خرج بهبود آن کنیم. مهربان‌تر می‌شویم. به آرامش بیشتری می‌رسیم. در چنین فضایی یار و غم‌خوار و مددکار هم هستیم. تربیت هم بهتر رخ می‌نماید.

این روش‌ها فرصتی برای یادگیری از یکدیگر است، آموختن از بچه‌ها است. فرصتی برای تغییر و بهسازی تدریس به شرطی که مستمر باشد. آدم یک‌باره تغییر نمی‌کند، مدام باید بین صفاومروه برویم و بیاییم. معلمی از این جهت سخت و پیچیده است. جهد مدام است و بهسازی آن جهادی اکبر که مدام بین محتوا و دانش آموز باید بروید و بیایید و تجربه‌ها را آزمون و تبادل کنید و از هم بیاموزید. درس پژوهی روش هم‌آموزی در حین عمل است. تمرین گفت‌وگو و دیدن خود در آینه دیگری است.

«چای با طعم درس پژوهی» را در آپارت ببینید. سرکار آرانی با شما از این گزارش هم ساده‌تر در این‌باره سخن می‌گوید.

کسی جرقه‌ای برای پرسیدن یا دانستن یا خواندن ایجاد کرده. فقط حرف خودتان را نزنید، یادتان باشد اینجا کلاس درس است نه شورای مدیران. به بچه‌ها نگاه کنید!

«یک چشم زدن غافل از آن ماه نباشیم» شاید که نگاهی کند آگاه نباشیم»

قصه درس پژوهی این است که به شما آرامش بدهد. تمرین کنید که به بچه‌ها نگاه کنید و غافل از آن‌ها نباشید، در باره آن‌ها باهم گفت‌وگو کنید، درباره تدریس آن‌ها اظهار نظر کنید و در آینه یکدیگر خود را ببینید.

درس پژوهی فرآیند بازبینی الگوهای ذهنی و بازاندیشی عمل تربیتی است. شما شروع به یادگیری کنید، از یکدیگر از بچه‌ها، از تجربه‌های سایر مدارس و... حتی اولیا و داده‌های خود درباره بچه‌ها را با آن‌ها به اشتراک بگذارید و از دانستی‌ها و انتظارات آن‌ها هم بیاموزید. به تدریج شروع کنید برداشت‌های ذهنی خود را واریسی و بهسازی کنید. گامی به پیش نهید و در عمل رفتار و شکل نگاه و گفتار خویش را بازسازی کنید.

بچه‌ها در کلاس شیطنت می‌کنند، گاهی به درس گوش نمی‌دهند، ولی آرام آرام تغییر می‌کنند؛ درس پژوهی الگوی بازاندیشی حین عمل است. به تدریج می‌فهمم که آهان! پس من تند حرف می‌زنم، تن صدایم بالا است، در لحن بیانم فخر فروشی است، عشوه می‌خرم و جلوه می‌فروشم. بچه‌ها صادق‌تر، شفاف‌تر و ساده‌تر از آنی هستند که شما فکر می‌کنید. ما و اولیا خیلی می‌توانیم از آن‌ها بیاموزیم ولی همیشه در حال گفتن هستیم و آن‌ها در جست‌وجوی گوشه‌ای شنیدن. درک این تفاوت‌ها در فرآیند درس پژوهی حاصل می‌شود و راه‌های بهبود آن نیز خود را نمایان می‌سازد. خود بچه به ما می‌آموزند راه‌های اثربخش‌تر تدریس و یادگیری را. با اعتماد و احترام به آن‌ها حس مسئولیت را در بچه‌ها زنده کنیم.

## سخن پایانی

درس پژوهی چرخه عمل بهسازی است. صدای خودتان در فرآیند تدریس را گوش کنید، یک‌بار هم ممکن است روی کاغذ بیاورید، یک‌بار هم ممکن است فقط آنچه را که دیدید و مشاهده کردید، یادداشت‌برداری کنید و یا عکس بگیرید و به اشتراک بگذارید که مثلاً دانش‌آموزی اینجا می‌خواست سوالی بپرسد، اما معلم او را ندید یا نادیده گرفت! و...